

## **Optimizing Urban Governance Policies in Metropolises (Case Study: Rasht)**

### **Sadegh Sadeghpour**

Department of urbanism, Marand Branch, Islamic azad university, Marand, Iran. Email: s.sadeghpour89@gmail.com

### **Bakhtyar Ezatpanah**

\*Corresponding Author, Assistant Professor of Department of Geography and urban planning, Marand branch, Islamic azad university, Marand, Iran. Email: Dr\_bezatpanah@Yahoo.com

### **Nader Zali**

Associate Professor, Urban Planning Department, University of Guilan, Guilan. Iran. Email: nzali@guilan.ac.ir

### **Abstract**

In order to make the optimal urban governance policy in metropolises, the research method of this study is based on the theory of basic empirical data, Strauss and Corbin, and semi-structured interviews were also used to collect data. Also, sampling was done using the theoretical sampling method and using the snowball and target method. The results of the analysis of the data obtained from the interviews are presented in the method of space, center and selection, as well as in terms of causes, conditions, intervention conditions, management methods and results. The results of this research show that the administration of Rasht city depends on strategies such as decentralization, reconstruction of structures and processes, participation of stakeholders and delegation of power to managers with high knowledge and ability. The reform and cooperation of several decision-making institutions, recognition of the primary missions of responsibility and accountability (in the first stage), streamlining the direction of good governance in Rasht metropolis and (in the second stage through the central role of city management) at the community level.

**Keywords:** Grounded Theory, policy making, governance, Rasht.

**Citation:** Sadeghpour, Sadegh, Ezatpanah, Bakhtyar, Zali, Nader (2024). Optimizing Urban Governance Policies in Metropolises (Case Study: Rasht). *Urban and Regional Policy*, 2(8), 59-70.

## سیاست‌گذاری حکمروایی مطلوب شهری در کلانشهرها (نمونه موردی: کلانشهر رشت)

### صادق صادق‌قلو

دانشجوی دکتری تخصصی شهرسازی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. رایانامه: s.sadeghpour89@gmail.com

### بختیار عزت‌پناه

\* نویسنده مسئول، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. رایانامه: Dr\_bezatpanah@Yahoo.com

### نادر زالی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. رایانامه: nzali@guilan.ac.ir

## چکیده

به منظور سیاست‌گذاری حکمروایی مطلوب شهری در کلانشهرها، روش تحقیق این پژوهش بر اساس نظریه داده‌های تجربی پایه و اشتراوس و کوربین است و از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته نیز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. همچنین نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و با استفاده از روش گلوله برفی و هدف انجام گردید. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها در روش فضا، مرکز و انتخاب و همچنین از نظر علل، شرایط، شرایط مداخله، روش‌های مدیریت و نتایج ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اداره شهر رشت به راهبردهایی مانند تمرکززدایی، بازسازی ساختارها و فرآیندها، مشارکت ذینفعان و تفویض قدرت به مدیران با دانش و توانایی بالا بستگی دارد. اصلاح و همکاری چند نهاد تصمیم‌گیر، شناخت رسالت‌های اولیه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی (در مرحله اول) جریان‌سازی جهت‌گیری حکمروایی خوب در کلانشهر رشت و (در مرحله دوم از طریق نقش محوری مدیریت شهرها) در سطح جامعه محقق گردد.

**کلیدواژه‌ها:** داده بنیاد، سیاست‌گذاری، حکمروایی، رشت.

**استناد:** صادق‌قلو، صادق؛ عزت‌پناه، بختیار؛ زالی، نادر (۱۴۰۲). سیاست‌گذاری حکمروایی مطلوب شهری در کلانشهرها (نمونه موردی: کلانشهر رشت). *سیاست‌گذاری شهری و منطقه‌ای*، ۲(۸)، ۵۹-۷۰.

---

سیاست‌گذاری شهری و منطقه‌ای، ۱۴۰۲، دوره ۲، شماره ۸، صص. ۷۰-۵۹	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱
© نویسندگان	تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

## مقدمه

بررسی و مطالعه چالش‌های توسعه در کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه برای دولت‌ها وظیفه‌ای دشوار است. سیستم‌های شهری در این گونه کلانشهرها موفق به فراهم ساختن ظرفیتی برای رشد و توسعه این شهرها نشده‌اند و این موضوع استراتژی‌ها و رویکردهای جدیدی را ایجاد می‌کند که دولت‌ها، آژانس‌های توسعه بین‌المللی و سایر نهادها برای حمایت از توسعه آنها بسیج شوند. این طرز نگاه و دید، چالش‌های بسیاری را در مواجهه با مدیریت مناطق کلانشهری مطرح می‌کند و رویکردهایی را برای فائق آمدن بر این موارد از چشم‌اندازهای جهانی و منطقه‌ای و ملی بررسی می‌کند (Amirhossein, MohammadRahim, & Masoud, 2021). این رویکردها، چالش‌ها را از دیدگاه سیستم‌های حکمروایی، اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی و زیست محیطی بیان می‌کند. برای فائق آمدن بر چالش‌های مسیر توسعه لازم است که موضوعاتی همانند مشارکت، پاسخگویی، پایداری اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی به صورت جدی مطرح شود (Ashnavar, Farahani, & Fardad, 2022). چالش‌های توسعه کلانشهرها در مقیاس‌ها، حوزه‌ها و سطوح، تأثیری بسیار متفاوت در کشورهای سراسر جهان ایجاد می‌کند. آنچه روشن است این است که دلایل و تأثیرات چالش‌ها چندبعدی هستند و در مقایسه با رویکردهای سنتی، سیستم‌های یکپارچه‌تر و چند بخشی را در حوزه مدیریت شهری می‌طلبند (Akbari, 2022).

از این رو، اصلاح و بازنگری در نظام مدیریت شهری کشور با تحولات ساختاری و محتوایی دیدگاه‌های نوین مطرح در زمینه مدیریت شهری به صورت جدی مورد تأکید بوده است. دهه‌های اخیر مقوله جدیدی در نظام مدیریت شهرها تحت عنوان حکمروایی شهری مطرح شده که بر چگونگی دست یافتن به مدیریتی کارا و بهینه با زمینه توسعه مردم‌سالار و عادلانه تأکید دارد. بیش‌تر این مشکلات در سطح بالاتری شکل می‌گیرد؛ از این رو، نبود متولی خاصی برای رسیدگی به این مشکلات، موجب حاد شدن آن می‌شود؛ چراکه اگر شهرها به خوبی مدیریت شوند، فرصت‌هایی مهم را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کنند (A. Hosseini, Ramazanpour, & Ashori, 2021)؛ بنابراین، مدیران شهری باید از فرصت‌های جدیدی که به تحلیل یکپارچه مشکلات شهری و در نتیجه راه‌حل‌های یکپارچه منجر خواهد شد، بهره بگیرند. شواهد موجود نشان می‌دهد که آنچه همواره در فرآیند مدیریت شهری مورد توجه قرار می‌گیرد، عمدتاً مسائل و مشکلات کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ است و کم‌تر توجهی به مسائل و مشکلات حکمروایی و الگوی مدیریتی آنها می‌شود (A.R., M.R., S.H., & S.A., 2011). آنچه که به عنوان کلان‌شهر در متون شهری رایج شده، بحث‌های پر دامن‌های را در ارتباط با ماهیت، اهمیت و مسائل گوناگون این شهرها از جمله مدیریت آنها در پی داشته است. بخش عمده‌ای از مشکلات شهرها به ساختار مدیریتی شهرها باز می‌گردد (Soroushan, Zivyar, Hindiani, & Tavaklan, 2021). امروزه مدیران به دنبال الگویی هستند تا مشکلات مدیریتی شهرها را کاهش دهد. یکی از الگوهایی که در این مسیر توجه صاحب‌نظران را جلب نموده، الگوی حکمروایی خوب شهری می‌باشد (Bizaban & Yvnjaly, 2017). در ایران این الگو به عنوان الگویی که می‌تواند مرهمی بر مشکلات شهرها باشد شناخته می‌شود. در محیط سرشار از تغییر و بی ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیش‌تری دارد، تلاش برای معماری آینده است. اگرچه این تلاش همواره با خطر پذیری فراوان قرین بوده است؛ اما به‌رحال پذیرش این مخاطره به‌مراتب عاقلانه‌تر از نظاره گر بودن به تحولات آینده است (Sadinejad & Ghasempour, 2021).

با توجه به اینکه مدیریت شهری در کلان‌شهرهای ایران با مشکلات عدیده‌ای روبرو است، شواهد موجود نشان می‌دهد که ساخت شهر رشت در تناسب با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آن، علیرغم چرخش سیاست‌های توسعه در یک دهه اخیر، سیمای پایداری آن را دگرگون و نظام زیستی آن را از حیث کارکرد اجزای حیاتی عرصه مدیریت شهری دچار نوسان کرده است. به گونه‌ای که سیاست‌های توسعه با ناپایداری جمعیتی و مهاجرتی، اقتصادی، صنعتی، کالبدی و زیست محیطی بین مناطق شهری آن همراه بوده است. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که مسائلی همچون عدم توزیع مناسب کاربری‌ها و پیروی نکردن از الگوی واحدی جهت دسترسی به خدمات شهری، پایین بودن ایمنی کالبدی، توجه ناکافی شهرداری به

جمع‌آوری به موقع زباله، فاضلاب‌های سطحی و روباز، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی بویایی به دلیل شیب کم شهر رشت و تجمع فاضلاب‌های سطحی و وضعیت نامناسب کانال‌های زیرزمینی (فاضلاب روها)، تجمع آب در سطح محلات به هنگام بارندگی و نبود سیستم و سازه‌های آبی کارا و قوی جهت تخلیه آب‌های سطحی، نبود طرح خدمات شهری، گسترش آسیب‌های اجتماعی، تبعیض اجتماعی و سیاسی و امنیت ناپایدار، بیکاری، فراوانی شغل کاذب، دست‌فروشی‌های کنار خیابان، گرایش به حاشیه‌نشینی، الگوی توسعه فیزیکی ناموزون، رشد کالبدی و دست‌اندازی شهر بر اراضی اطراف خود و پراکنده‌رویی و مغایرت میان وضعیت کالبدی موجود بعضی مناطق با پیشنهادهای طرح‌های جامع و تفصیلی، روابط مرکز - پیرامون، خواست‌های اجتماعی، مطالبات شهروندان، کاهش مشارکت مدنی، روندهای جهانی‌سازی و کلان‌روندهای بین‌المللی اثرگذار همگی بخشی از فرآیندهای اثرگذار بر این موضوع هستند، از طرفی مدیریت شهری به دلایل متعدد انسجام و هماهنگی لازم را در اداره امور شهر را ندارد. به طوری که نیاز به چاره‌جویی ریشه‌ای این مشکلات و حرکت به سوی چشم‌انداز مطلوب مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهانه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. رشت به عنوان یازدهمین کلان‌شهر ایران و بزرگترین شهر خطه ساحلی ایران از این قاعده مستثنا نیست و نیازمند سیستم مدیریت جدید است تا بتوان میزان اثرگذاری خود را در شهر و مطالبات شهروندان (حق به شهر) افزایش دهد. این رساله در پی آن است که چالش مدیریت شهری را بر اساس شاخص‌های مهم حکمرانی شهری را که حال جایگاه آن در توسعه و مدیریت شهری مورد تایید همگان قرار گرفته است (تا جایی که بعضی‌ها آن را تنها راه توسعه بشمار می‌آورد) در مدیریت شهری مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی مورد مطالعه قرار دهد.

حکمروایی خوب شهری در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ کننده و پاسداری از قوانین محدود کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی روزمره مردم بکاهد (Mohammadi & Bagharahi, 2017). از این رو توجه و تعمق در الگوی یادشده، کمک زیادی به یافتن ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در ارائه خدمات عمومی‌بهتر خواهد نمود (Rabbani, Meshkini, Eftekhari, & Rafiyan, 2019). این شیوه با شاخص‌هایی ویژه که می‌تواند شهری مورد پسند تمام اقشار را ایجاد کند در سطح جهان معروف شده است. روند نظام مدیریت شهری در ایران نیز به نابسامانی اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... انجامیده است (Khomejani, Sarver, Amirazodi, & Sabzvari, 2022). یکی از شیوه‌هایی که امروزه برای مدیریت شهرها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. شهرهای ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه از این شرایط مستثنی نمی‌باشند و با توجه به سرعت رشد شهرنشینی در چند دهه اخیر و مشکلات موجود در سطح شهرها، الگوی حکمرانی خوب همان شاه کلید حل مشکلات مدیریتی شهرهای ایران می‌باشد (Norouzi, Mahdavi, & Badrizadeh, 2018). به حداقل رساندن مشکلات بخش مدیریتی در شهرهای ایران باعث توسعه شهر در سایر بخش‌ها و در نتیجه شرایط زیست بهتر شهروندان و کیفیت زندگی بالاتر می‌شود (Meshkini, Rabbani, Eftekhari, & Rafiyan, 2019).

شواهد موجود نشان می‌دهد که آنچه همواره در فرآیند مدیریت شهری مورد توجه قرار می‌گیرد، عمدتاً مسائل و مشکلات کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ است و کم‌تر توجهی به مسائل و مشکلات حکمروایی و الگوی مدیریتی آنها می‌شود. آنچه که به عنوان کلان‌شهر در متون شهری رایج شده، بحث‌های پرمسئله‌های را در ارتباط با ماهیت، اهمیت و مسائل گوناگون این شهرها از جمله مدیریت آنها در پی داشته است. در حال حاضر بسیاری از سازمان‌های دولتی و غیردولتی تقویت پایه‌های سازوکار شفافیت و پاسخگویی به گروه‌ها و جوامع را در اولویت قرار داده و از طریق تحقیق، تهیه و توسعه برنامه‌ها، سیاستگذاری‌ها و اقدامات آموزشی به مدیریت‌شناسی شهری پرداخته‌اند (Firoozi, Rostaei, Kamelifar, & Maleki, 2019). هنگامی که بحرانی رخ می‌دهد، کلانشهرها با تعارضات بیشتری مواجه هستند و پیامدهای آن نسبت به هر محیط و سکونتگاه دیگری، بدتر است (Pouya, Tavakolinia, Sarrafi, & Fanni, 2018). با افزایش و رشد شهری شدن افزایش تناقضات و بحرانی‌های اجتماعی و اقتصادی که مدام در محیط شهری رخ می‌دهد، سال‌ها تلاش و زحمت و کار برای توسعه و پیشرفت مکرر و پیوسته نابود می‌شود. بنابراین، از اینرو است که تبیین رابطه مدیریت شهری در برابر انواع

مسائل و بحرانها و اثرات آن، با توجه به نتایجی که در بر خواهد داشت و تأکیدی که این تحلیل بر ابعاد حکمروایی خوب دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع هدف از این رویکرد کاهش سازوکارهای مدیریت سنتی شهرها و تقویت توانایی‌های شهروندان برای کنش مثبت و سازنده با مدیریت شهری و بحرانهای بیشماری است که بر سر راه قرار دارند (S. H. Hosseini, 2016).

به طور کلی بخش قابل توجهی از مشکلات مدیریتی شهر رشت از جمله موضوعات استراتژیک و بنیادین آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱) کنش‌های اجتماعی و جنبش‌های حق به شهر با اولویت مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی؛
  - ۲) تغییرات فراوان در حوزه مدیریت شهری (مناصب، قوانین، دیدگاه‌ها و تعارضات و...) و ناتوانی مدیران در واکنش به مسائل روز؛
  - ۳) کاهش مشارکت اجتماعی و نظرخواهی از شهروندان در طرح‌های توسعه شهری؛
  - ۴) گستردگی بیش از حد بافت، تسریع روند فرسودگی بافت به لحاظ کالبدی، اجتماعی و اقتصادی؛
  - ۵) روند جذب جمعیت و عدم پاسخگویی به خدمات مورد نیاز این جمعیت روز افزون؛
  - ۶) تنزل نسبی پایگاه اقتصادی - اجتماعی جمعیت؛
  - ۷) فاصله روزافزون، عمودی و گسسته بین نهادهای مدیریت شهری و شهروندان؛
  - ۸) و اجرای طرح‌های توسعه فاقد طرح‌های توجیهی یا خروجی مورد انتظار و مغایر با ضوابط و مقررات مربوط به آن‌ها، افزایش ناامنی‌های اجتماعی، تشدید تخریب عرصه‌های زیست‌محیطی، عدم کارایی اقتصادی، آشفتگی و بی‌نظمی ساختار کالبدی و سیمای عمومی و ... همگی بخشی از مشکلات این فرآیند تلقی می‌شوند.
- شهر رشت در سال‌های اخیر با توجه به تحولات سریع علمی و فنی و به تبع آن دگرگونی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی تا حد زیادی نتوانسته است خود را با این تحولات وفق دهد سیاست‌های غلط در این زمینه باعث کاهش مسئولیت‌پذیری و تنزل مشارکت شهروندی، تخریب محیط زیست، از بین رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی و ... شده است. عوارض سوء و حادی که عدم رعایت اصول مدیریت شهری در این کلانشهر بوجود آمده است، حاکی از ضرورت توجه به این امر در نتیجه توجه به حکمروایی خوب شهری در شهر رشت شده است. پژوهش حاضر به ارزیابی حکمروایی مطلوب کلانشهرها در ایران با تاکید بر کلانشهر رشت با استفاده از رویکرد آینده نگاری می‌پردازد، چشم انداز آینده این سیاست را ترسیم و پیشران‌های کلیدی موثر را شناسایی، سپس براساس عوامل کلیدی موثر به سطح بندی عوامل بنیادین کلانشهر رشت می‌پردازد و درنهایت متناسب با آن سناریوهای لازم را بیان می‌کند.

## ادبیات پژوهش

"حکمروایی شهری" فرآیندی است چند جانبه میان کنش گران رسمی‌اداره شهر از یک طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به عنوان کنش گران غیر رسمی که تعاملات چند وجهی آن‌ها می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنش گران منجر شود (Firoozi, Roostaie, Far, & Maleki, 2021). در واقع می‌توان حکمرانی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان به شمار آورد و شیوه درست و هنجاری حکمروایی این است که باید بتواند مشارکت و همکاری را میان همه نیروهای مؤثر در مدیریت جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی، بخش عمومی و تشکل‌های مردمی برقرار کند (Alizadeh, Nemati, & R. Jafari, 2015). مفهوم حکمروایی مطلوب شهری جزو مفاهیم هنجاری بوده و می‌تواند به عنوان الگوی عملکردی استفاده شود. این حکمروایی می‌تواند به عنوان جستجوی راه حل‌هایی باشد (Zandie, 2018) که از طریق مذاکرات و نیز درگیر کردن بازیگران بخش رسمی (دولتی) و غیررسمی (غیردولتی)، به دست آید. حکمروایی مطلوب شهری هم‌چنین به عنوان یک مفهوم بنیادی با هدف بهبود مهارت‌های

اداری و بهره‌وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخ‌گویی مقامات شهری برداشت شده است. حکمرانی خوب مستلزم آن است که حکومت خود را با عاجلترین و ثمربخش‌ترین وظایف محدود کند و فراتر از توانایی‌ها و منابع تجهیز شود (Fardm., Ghalibaf, S.Moradiniya, & H.Momeni, 2013).

### حکمروایی مطلوب شهری

مطابق تعریف بانک جهانی، حکمروایی خوب شهری دارای ۸ بعد اصلی است که در جدول یک، شاخص‌های مرتبط با هر بعد اشاره شده است.

جدول ۱ - تعاریف عملیاتی و مفهومی متغیرهای پژوهش

ابعاد	شاخص‌ها	تعریف مفهومی
شفافیت (T)	تدوین قوانین شفاف بدون ابهام (T1)، میزان نقش آگاه سازی شهروندان از سوی مدیریت شهری (T2)، ارائه داده‌های شفاف از مباحث فنی و اجرایی (T3) و نظرخواهی از مردم درباره طرح‌های کالبدی و اقتصادی (T4)، کوچک‌سازی شهرداری (T5)، تمرکز بالا بر روی تخصص‌گرایی (T6)، تمرکز بر اقتصاد هوشمند شهری (T7).	ارائه حق اطلاعاتی مردم به مردم است، به شرطی که اطلاعات داده شده ویژگی‌های ذیل را داشته باشند: در زمان مناسب، در قالب مناسب، با کیفیت مناسب، در محل مناسب، و به مخاطب مورد نظر ارائه شوند.
کارایی و اثربخشی (E)	به کارگیری توانایی مناسب ظرفیت‌های شهر (E1)، وجود نیروی انسانی ماهر و کارآزموده (E2)، میزان اثربخش بودن اقدامات مدیران شهر در برابر مشکلات (E3) و استفاده از افراد باتجربه و متخصص در مدیریت شهری (E4).	فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به بازخورد مناسب و بهینه و سطح بهره‌وری بالا برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط سازمان.
پاسخگویی (R)	واکنش منفی شهروندان به پاسخگو نبودن مدیریت شهری (R1)، پاسخگویی مدیران و مسئولان شهری به شهروندان (R2)، پاسخگویی شوراها و تشریح برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری (R3)، جلب مشارکت با پاسخگویی مدیران مناطق شهری در مدیریت توسعه کالبدی شهر (R4) و نقش برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات عمومی (R5).	فرآیندهایی که به موجب آن حاکمان را برای رفتار و عملکردشان مسئول می‌کنند. پاسخگویی سه هدف عمده دارد: نخست آنکه ابزاری است جهت نظارت بر قدرت و پیشگیری از سوء استفاده از اختیارات عمومی، دوم تضمینی است بر کاربرد صحیح منابع ملی، تبعیت از قانون و صیانت از ارزش‌های خدمات عمومی و سوم ابزار موثری برای ارتقا و بهبود زمامداری و مدیریت خدمات عمومی است.
عدالت (J)	توزیع عادلانه امکانات و تسهیلات شهری (J1)، رعایت انصاف و عدالت در ارائه خدمات به مناطق کم‌تر برخوردار شهر (J2)، ترجیح منافع جمعی بر شخصی (J3)، برقراری عدالت جنسیتی (J4)، رویکرد عدالت محوری مدیران شهری در مسائل گوناگون شهر (J5)، میزان توجه مدیران و مسئولان شهر به ابعاد اقتصادی (J6) و فعالانه عمل کردن مدیران شهری در ساخت و مدیریت کالبدی مناطق شهر (J7).	رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند. اصلی است که مردم آنچه شایستگی‌اش را دارند، دریافت می‌کنند. یعنی طراحی و اجرای نظام حقوقی به گونه‌ای که هر کس به حق عقلانی‌اش برسد و در مقابل آن حقوق، وظایفی را انجام دهد یا مسئولیت و عواقب تخلف از آن را بپذیرد.
مسئولیت‌پذیری (Re)	میزان احساس مسئولیت مدیران در زمان بروز فاجعه (Re1)، میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان (Re2)، توانمندسازی مردم شهر (Re3)، انتخاب و شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران شهری (Re4).	یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمروایی خوب به‌شمار آورد. در کنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به‌صورت زنجیرهای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون

وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد.		
میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمروایی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.	تبادل نظر مدیران شهر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل و بحران‌های شهر با شهروندان (P1)، آگاهی لازم شهروندان برای مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها (P2)، نقش موثر اعمال تصمیمات شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری (P3)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی در مشارکت نهادهای مدنی، تعاونی‌ها و بخش خصوصی (P4)، درخواست مدیران شهری از شهروندان به منظور مشارکت در امور (P5).	مشارکت (P)
حکمروایی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در برگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (نظام حقوقی و اجرایی - پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می‌باشد.	به کارگیری تمهیدات و راه حل مناسب برای قانونمندی مدیران شهری در مواقع نیاز (L1)، میزان پایبندی مدیران شهری در جانبداری نکردن از خواص (L2)، بیطرفی و برابری در برابر قانون (L3)، تلاش مدیران شهری در آگاه کردن شهروندان از قوانین محیط زیست شهری (L4)، میزان پایبندی مدیران شهری در مداخله در محیط کالبدی شهر (L5)، تأثیرگذاری گروه‌های ذی نفوذ در توسعه کالبدی شهر (L6) و آگاهی و اطلاع مدیریت شهری از حقوق و قوانین محیط زیست شهری (L7).	قانونمندی (L)
فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمروایی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد.	حضور شهروندان در امور همگانی مربوط به شهر (C1)، هماهنگ بودن برنامه‌های سازمان‌های مرتبط با مدیریت شهری (C2)، تأثیر وجود ارتباط متقابل و تعامل سازنده میان نهادهای دولتی و خصوصی (C3)، حمایت از منافع بیش‌تر گروه‌ها (C4)، نگرش به جمع و کار جمعی (C5)، میزان آگاهی مدیران از مسائل روز (C6) و استفاده از نظرات شهروندان در حل مشکلات (C7)، جلوگیری از مداخلات برون سازمانی (C8)، نگرش جامع به منابع درآمدی شهرداری‌ها (C9)، تمرکز بر کارآفرینی و توسعه اقتصاد شهری (C10)، یکپارچگی بین کارآفرینی و مدیریت اقتصاد شهری (C11)، تمرکز بر سلامت نظام اداری شهرداری (C12)، توجه به کسب و کار حوزه گردشگری (C13)، تمرکز بر سامانه انرژی‌های نو (C14).	اجماع‌محوری (C)

Source: (Ghadermarzi, Ahmadi, Javan, & Ahmadi, 2019; Ghasemi, Hataminejad, Zayyari, Pourahmad, & Shahraki, 2020; Ladani, Ahmad, Ziyari, Farhoudi, & Shahraki, 2022; Rabbani, Eftekhari, Meshkini, & Rafiyan, 2018; Taleshi, Astane, & Mousavi, 2018; Zandie, 2018)

## روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی انجام شده است. رویکرد روش‌شناختی در این پژوهش، فرآینبات گرایی است. از منظر فرآینبات گرایی، پدیده‌های اجتماعی به تفسیر محقق وابسته نیستند. از اینرو، تفسیر معنای پدیده‌های اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این تعبیر معنایی است که تنها در چارچوب گفتمان یا سنت پذیرفته و فهمیده می‌شود. این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای بوده و در بخش تحقیقات میدانی گنجانده شده است. هم‌چنین نوعی روش توصیفی - اکتشافی است که از ابزار مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد جهت استفاده می‌کند. از آنجایی که مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختاریافته انجام شد، از مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش سوالات زیر پرسیده شد:

ضرورت‌های ایجاد حکمروایی مطلوب در کلانشهرها از منظر شما چیست؟ شاخص‌های حکمروایی مطلوب در کلانشهرها از منظر شما چیست؟ به نظر شما، مفهوم پدیده حکمروایی مطلوب در کلانشهرها به چه معناست و از چه ویژگی‌ها و ابعادی برخوردار است و چه فرایندی را باید در این راستا طی کنیم؟ آیا مدیریت شهری در کلانشهرها مطلوب است؟ چرا و به چه دلایلی؟ چه شرایط و پیش‌زمینه‌هایی برای ایجاد حکمروایی مطلوب در کلانشهرها نیاز است؟ محدودیت‌ها، چالش‌ها و عوامل بازدارنده برای تحقق حکمروایی مطلوب در مدیریت کلانشهرها چیست؟ چه اقداماتی و از سوی چه کسانی برای استقرار حکمروایی مطلوب در مدیریت کلانشهرها باید انجام گیرد؟ نتایج و اثرات ناشی از استقرار حکمروایی مطلوب در مدیریت کلانشهرها چیست؟

جامعه آماری این پژوهش دستگاه‌های مختلف ذی نفع یا ذی مدخل در مدیریت شهری رشت می‌باشند. در این تحقیق حجم نمونه آماری مورد نیاز با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی تعیین می‌شود و تعداد اعضا تا رسیدن مدل به اشباع نظری تعیین می‌شود. در این زمینه، ۲۳ مصاحبه انجام شد و مفاهیم داده‌های جدیدی از مصاحبه شانزدهم پدید نیامد، اما هفت مصاحبه دیگر برای دستیابی به اشباع نظری با در نظر گرفتن مفاهیم داده‌های جدید و مقوله‌هایی که از مصاحبه‌های متوالی به وجود نیامدند، برای اطمینان از اشباع نظری انجام گردید.

جدول ۲ - ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مسئولیت	تعداد
۱	مدیران ارشد شهرداری	۵
۲	مدیران در دانشگاه	۳
۳	مدیران ارشد راه و شهرسازی	۵
۴	اعضای هیئت علمی	۲
۵	استانداری	۵
۶	بنیاد مسکن	۱
۷	مدیریت بحران	۲

## یافته‌ها

فرآیند تحلیل اطلاعات در تئوری پایگاه داده بر اساس سه سطح کدگذاری باز (ایجاد مفاهیم و مقوله‌ها)، کدگذاری اصلی (شناسایی مقوله‌های اصلی) و کدگذاری انتخابی (ایجاد نظریه‌ها) است. سپس تمامی نکات اصلی مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری شد و پس از بررسی و تحلیل آن‌ها، کد مشابهی به مفهوم خاصی اختصاص یافت که مقوله اصلی این پژوهش «اجرای حکمروایی بهینه در کلانشهرها» است. در مرحله کدگذاری باز، کدهای کلی (کوچکترین واحدهای مفهومی) در مصاحبه‌ها استخراج شد.

سپس طبقه‌بندی و توزیع هر یک از معیارها در قالب عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل میانجی، راهبردها و پیامدهای حکمروایی شهری مورد بحث قرار می‌گیرد و در مرحله کدگذاری انتخابی، تئوری‌سازی و ارائه مدل انجام شد. در پژوهش حاضر، دلایل تأثیر حکمروایی خوب در کلانشهرها بر اساس نظریه پایگاه داده و روش اشتراوس و کوربین استخراج شده است.

عوامل علی به طور کلی و بر حسب مجموعه‌ای از کدهای شناسایی شده بر استراتژی‌ها، عوامل میانجی، پیامدها و عوامل زمینه‌ای تأثیر می‌گذارند.



عوامل زمینه‌ای مؤثر بر حکمروایی کلانشهرها، دلایل و شرایطی است که کنشگر را به رفتاری خاص برمی‌انگیزد و از تحلیل داده‌های کیفی ناشی می‌شود که الزامات حکمروایی کلانشهرها را نشان می‌دهد. عوامل مداخله‌ای در اداره کلانشهرها عواملی هستند که به سؤالاتی در مورد تأثیر عوامل علی و زمینه‌ای بر رفتار می‌پردازند. به این معنا که در تأثیر عوامل علی و زمینه‌ای مشکل ایجاد می‌کنند و یا مانع تأثیر آنها می‌شوند و به عنوان مانع عمل می‌کنند.

راهبردهای حکمروایی کلانشهرها مجموعه اقداماتی است که یک سازمان برای اجرای حکمروایی خوب انجام می‌دهد. پیامدها یا دستاوردهای مدیریت مطلوب شهرداریها مجموعه عواملی است که از مدیریت مطلوب در شهرداریها ناشی می‌شود.

در این مطالعه از رویکرد استراوس و کوربین برای تئوری پایه‌گذاری به منظور کدگذاری محوری استفاده گردید. این مدل یک چارچوب رابطه‌ای است که به کمک آن می‌توان روابط احتمالی بین دسته‌ها را اندازه‌گیری کرد و از یک سو درک نسبتاً جامعی از پدیده مورد بررسی ارائه می‌دهد. مدل پارادایم مطالعه حاضر در شکل ۱ ارائه شده است. همانطور که در مدل پارادایم استراوس و کوربین مشاهده می‌شود، عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای مؤثر و پیامدها در رابطه با حکمروایی مطلوب کلانشهرها شناسایی می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

حکمروایی، یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده عملکرد سیستم مدیریت شهری یک کشور است. می‌توان گفت که توجه روزافزون به سیستم مدیریت کلان‌شهرها در مفهوم مدیریت متاثر از رشد چشم‌گیر کلان‌شهرها، جمعیت و سازمان‌های مرتبط در جهان است. حکمروایی شهری بر قوانین و رویه‌هایی تأکید دارد که بسیاری از بازیگران نهادی و سازمانی را قادر می‌سازد تا بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر بگذارند. در شهرها، این نوع حکمروایی به اعمال رسمی و غیررسمی قدرت در چارچوب قوانین، سیاست‌ها و مقرراتی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده حقوق و مسئولیت‌های بازیگران مختلف است. یکی از محدودیت‌های این پژوهش عدم آشنایی و بی‌تجربگی بسیاری از مدیران شهرداری رشت با مفهوم مدیریت بهینه شهری است که منجر به تغییر مکرر اسامی مصاحبه‌شوندگان و استفاده از روش نمونه‌گیری «گلوله برفی» شد. همچنین کارشناسان این حوزه مشغله و دسترسی سختی داشتند که باعث کندی روند مصاحبه شد. بررسی اجمالی مطالعات قبلی نشان می‌دهد که مدل‌های مدیریتی ارائه شده قبلی در شهرهای بزرگ دارای کاستی‌های زیادی بوده و از کارایی کافی برخوردار نیستند. مهمترین دلایل مدیریت مطلوب رشت عبارتند از: ۱. عوامل داخلی؛ ۲. ابعاد خارجی؛ ۳. عوامل ناشی از ذینفعان.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر اجرای حکمروایی خوب در رشت، مشارکت ذینفعان در نهادها و سازمان‌ها و ایجاد بستر قانونی برای آن، مشارکت مسئولان شهری و اهتمام به امور بیرونی است. منافع شهرداری رشت تمرکز بر مدیریت دانشگاهی و ایجاد فناوری و کارآفرینی، اصلاح قوانین بالادستی به جای واکنش منفی به فرآیندهای تحول و توسعه بین‌المللی، به کارگیری مقامات شایسته، قوی و متخصص و تمرکز بر استقلال شهرداری رشت است. همچنین عواملی که مانع و ایجاد محدودیت در اجرا و اجرای مدیریت مطلوب می‌شود، عدم اعتماد به جامعه دانشگاهی به انجام وظایف مرتبط با رشته خود و وجود موانع قانونی در مدیریت شهر رشت است. همچنین ضعف نهادی و ساختاری در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تعارض مدیریت داخلی و برون‌سازمانی، فقدان مدیران شایسته و مقتدر در شهرداری رشت، تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیرنده، عوامل سیاسی، اقتصادی و مالی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، قانونی و قانونگذاری، کیفیت مقررات و عوامل بین‌المللی نیز از جمله شرایط اصلی لازم برای مدیریت بهینه در کلانشهر رشت است.

## پیشنهاد‌های سیاستی

- ایجاد طرح و نقشه راه جامع برای اجرای حکمرانی مطلوب در رشت.
- واگذاری امور مربوط به مدیریت شهر به مدیران مجرب و دلسوز و در نظر گرفتن استقلال شهرداری رشت
- نیاز به حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای ایجاد حکمروایی مطلوب در کلانشهر رشت؛
- اجرا و کاهش تأثیر تغییرات و تحولات سیاسی در رشت بر دستیابی به حکمروایی شهری مطلوب.
- تصمیم صریح در مورد وظایف و نقش کلیه سازمان‌های ذینفع و ساختارهای رسمی شهری رشت
- تعیین شاخص‌ها و معیارهای سنجش و ارزیابی موفقیت حکمروایی بهینه شهری در رشت.
- شناسایی قوانین و مقررات لازم برای یکپارچه سازی، هماهنگی و تسهیل شرایط، روندها

## References

- A.R., D. A., M.R., R., S.H., M. L., & S.A, B. (2011). Measurement and Analysis of Factors Affecting Rural Governance in Local Government(Case Study: Qazvin Township). *Human Geography Research Quarterly*, 42(73), 99-118.
- Akbari, M. (2022). Measuring social sustainable development in Iranian metropolises using EDAS and Mairca technique. *Journal of Geography and Planning*, 26(79), 39-59.
- Alizadeh, H., Nemati, M., & R.Jafari, K. (2015). Analysis of Urban good Governance Indicators Using Group Fuzzy AHP. *Journal Urban - Regional Studies and Research*, 6(24), 105-128.
- Amirhossein, K., MohammadRahim, R., & Masoud, Z. (2021). An Analysis of the future Challenges of Social, Institutional, and Economic Sustainability of Iranian Metropolises. *Journal of Zonal Planing*, 11(42), 1-17.
- Ashnavar, M., Farahani, E. V., & Fardad, A. R. (2022). Study of obstacles and background challenges facing urban governance in Iran. *Geography and Human Relations*, 4(3), 18-31.
- Bizaban, A. R., & Yvnjaly, M. (2017). A Comparative Study of the Relationship between Government Funding and Governance (Inter-country Analysis). *Journal of Economic Sociology and Development*, 6(1), 35-64.
- Fardm., Z. P., Ghalibaf, S.Moradiniya, & H.Momeni. (2013). Pathology of Spatial Distribution of Political Power in Tehran Metropolis With Approach to Urban Governance. *Geography*, 11(38), 93-.
- Firoozi, M. A., Roostaei, S., Far, M. J. K., & Maleki, S. (2021). Urban governance components impact's recognition and evaluation in terms of knowledge management approach: A study in Tabriz Metropolis. *Geographical Planning of Space Quarterly Journal*, 10(37), 73-90.
- Firoozi, M. A., Rostaei, S., Kamelifar, M. J., & Maleki, S. (2019). Analysis of Explanatory Components of Knowledge-Based Urban Governance A Study in Tabriz Metropolis. *Geographical Urban Planning Research*, 7(3), 471-489.

- Ghadermarzi, H., Ahmadi, A., Javan, F., & Ahmadi, H. (2019). Analysis for affectation of good governance on the quality of rural life (Case study: Dehgolan County). *Geography*, 16(58), 175-190.
- Hosseini, A., Ramazanpour, H., & Ashori, H. (2021). Analysis of Urban Governance Indicators and Its Impact on Place Quality: The Case Study of Azarshahr City. *Geographical Urban Planning Research*, 8(4), 813-831.
- Hosseini, S. H. (2016). Analysis of Good Governance Indicators in Torbat Haydarieh: Emphasizing on the citizens and urban manager's viewpoints. *Motaleate Shahri*, 5(20), 43-52.
- Khomejani, S., Sarver, R., Amirazodi, T., & Sabzvvari, A. A. (2022). Comparative Analysis of good urban governance - Case Study: Regions 2 and 10 of Tehran. *Geography*, 20(72), 79-94.
- Ladani, A., Ahmad, A. P., Ziyari, K., Farhoudi, R., & Shahraki, S. Z. (2022). Integrated coastal zone management with a good governance approach (Kish Island case example). *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 23(68), 259-277.
- Meshkini, A., Rabbani, T., Eftehkari, A. R., & Rafiyan, M. (2019). Governance foresight, develop a concept and future of TEHRAN metropolitane governance. *Geographical Urban Planning Research*, 7(3), 431-453.
- Mohammadi, D. J., & Bagharahi, I. K. (2017). Analysis the Good Urban Governance Indicators for Urban Development Strategy Case Study: the Old Texture Areas of Kerman City. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 6(21), 153-170.
- Norouzi, A., Mahdavi, D., & Badrizadeh, Z. (2018). Evaluating the Performance of Village Administrations Using the Framework of Rural Good Governance Indicators (A Case Study: Rural Areas in Central District of Isfahan County). *Journal of Rural Research*, 8(4), 649-.
- Pouya, M. K. S., Tavakolinia, J., Sarrafi, M., & Fanni, Z. (2018). An analysis on the development plans and urban land policies in Tehran metropolis with emphasis on good land governance approach. فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر), ۲۶(۱۰۴), ۵۷-۷۶.
- Rabbani, T., Eftekhari, A. R., Meshkini, A., & Rafiyan, M. (2018). Analysis of future sustainable development governance institutional obstacles of Tehran metropolis. *Journal of Spatial Planning*, 22(1), 124-153.
- Rabbani, T., Meshkini, A., Eftekhari, A. R., & Rafieian, M. (2019). Explaining Urban Governance Issues in Future Metropolitan Scenarios of Tehran Based on Qualitative Scenario Conversion Approach. *Journal of Sustainable City*, 2(1), 45-62.
- Sadinejad, F. A., & Ghasempour, A. (2021). Designing causal model of the effect of organizational silence of managers on urban governance in Iran (Case study: Municipality of District 3 of Tehran). *Journal of New research approaches in management and accounting*, 5(56), 1-21.
- Soroushan, G., Zivyar, P., Hindiani, A., & Tavaklan, A. (2021). Explaining the status of desirable urban governance indicators in Tehran. *Geography*, 19(70), 135-151.

- Taleshi, M., Astane, A. D., & Mousavi, S. (2018). Explaining the spatial pattern of rural good governance in the surroundings of Karaj metropolitan. *Geographical Urban Planning Research*, 5(4), 585-606.
- Zandie, E. (2018). Function of municipalities in the framework of urban good governance:(case study: the municipality of Malayer). *Amayesh Journal*, 10(39), 59-76.